کاهش سرطان پروستات در مردانی با سبابه بلندتر

نتیجه آخرین تحقیقات نشان داد: مردانی که انگشت سبابه آن‌ها بلندتر از انگشت انگشتری است، کمتر از دیگران به سرطان پروستات مبتلا می‌شوند.

به گزارش (ایسنا) پژهشگران دانشگاه وارویک و انستیتوی تحقیقات سرطان در بریتانیا دریافتند مردان یاد شده در حدود یک سوم کمتر از مردان دیگر که ویژگی انگشتانشان معکوس است، به سرطان پروستات مبتلا می‌شوند.

پژوهشگران تاکید دارند که شرایط یاد شده بویژه در خصوص افراد زیر ۶۰ سال مصداق بیشتری دارد.

محققان قبل از طرح این فرضیه، انگشتان هزار و ۵۰۰ مرد مبتلا به سرطان پروستات را طی سال‌های ۱۹۹۴ تا ۲۰۰۹ مورد بازبینی و مقایسه قرار دادند.

بر اساس نتایج این تحقیق پزشکی که در بریتانیا منتشر شد، اکثر مردان مبتلا به سرطان پروستات دارای انگشت سبابه کوتاهتری نسبت به انگشت انگشتری هستند و به نظر می‌رسد اندازه انگشتان قبل از تولد مشخص می‌شود و تحت تاثیر میزان هورمون جنسی‌ای باشد که جنین دریافت می‌کند؛ بدین معنی که هر اندازه تستسترون کمتر به جنین برسد، انگشت سبابه بلندتر می‌شود.

تولید مکمل گیاهی معجزه‌گر جوانی

یک متخصص طب گیاهی اخیرا مدعی شده که موفق به تولید مکمل جدید ضد پیری شده است که هم اکنون در دسترس عموم مردم قرار دارد.

به گزارش ایسنا، دکتر ال سیرز در این باره خاطرنشان کرد که این روش درمانی جدید برای مقابله با پیری TA-۶۵ نام دارد و در حال حا ضر در آمریکا مجوز گرفته است.

TA-۶۵ در واقع مولکولی است که از یک نوع گیاه چینی گرفته می‌شود و کمک می‌کند که سن بیولوژیکی فرد دوباره به عقب باز گردد و تست‌های خون نشان می‌دهد که افرادی که از این روش استفاده می‌کنند به لحاظ بیولوژیکی واقعا جوان‌تر می‌شوند.

به گزارش وب سایت ال سیرز ام دی، دکتر سیوز که خودش ۵۴ سال دارد، ادعا می‌کند که پس از استفاده از TA-۶۵ به مدت یک سال با انجام آزمایشات خونی از خود متوجه شد، سن بیولوژیک ریه‌هایش در حد ۲۵ سالگی و سن قلب و عروق او در حد ۳۵ سالگی کاهش یافته و جوان‌تر شده است.

مناجات نامه

خدایا...

عذر میخواهم از این که بخود اجازه
میدهم که با تو راز و نیاز کنم
عذر میخواهم که ادعا های زیاد دارم در
مقابل تو اظهار وجود میکنم
در حالی که خوب میدانم وجود من
ضائیده ی اراده من نیست و بدون
خواسته ی تو هیچ و پوچم ,
عجیب آنکه
از خود میگویم
منم میزنم
خواهش دارم و آرزو میکنم

خدایا...

تو مرا عشق کردی که در قلب عشاق
بسوزم
تو مرا اشک کردی که در چشم یتیمان
بجوشم
تو مرا آه کردی که از سینه ی بیوه زنان و
دردمندان به آسمان صعود کنم
تو مرا فریاد کردی که کلمه ی حق را هر چه
رساتر برابره جباران اعلام نمایم
تو تار و پود وجود مرا با غم و درد سرشتی
تو مرا به آتش عشق سوختی
تو مرا در توفان حوادث پرداختی, در کوره
ی غم و درد گداختی
تو مرا در دریای مصیبتو بلا غرق کردی
و در کویره فقر و هرمان و تنهائی
سوزاندی.

خدایا...

تو به من پوچی لذات زود گذر را نمودی
ناپایداری روزگار را نشان دادی
لذت مبارزه را چشاندی
ارزش شهادت را آموختی

خدایا...

تو را شکر میکنم
که از پوچی ها و ناپایداریها و خوشیها و
قید و بندها آزادم نمودی
و مرا در توفانهای خطرناک حوادث رها
کردی و در غوغای حیات در مبارزه ی با
ظلم و کفر غرقم
نمودی و مفهوم واقعی حیات را به من
فهماندی.فهمیدم : سعادت حیات در
خوشی و آرامش و آسایش نیست
بلکه در درد و رنج و مصیبت و مبارزه با
کفر و ظلم و بالاخره شهادت است.

برگرفته ازمناجات نامه شهید چمران

خاطرات «احمد مرادی» رزمنده دفاع مقدس

در «جبهه» درس می خواندیم

● قسمت سوم

علی زارعی

در شماره قبل خواندیم که «احمد مرادی» یکی از جانبازان دفاع مقدس که در سال ۶۵ به همراه سی جوان دیگر از محله الشهدای بندرعباس به جبهه اعزام شد و در عملیات کربلای پنج مجروح شد .

حال ادامه خاطرات از زبان این رزمنده هرمزگانی .

وقتی که با تیر «دوشیکا» از دو پا مجروح شدم ؛ یعنی تیر از سمت بغل به پایم و روی قوزک پای راستم خورد و از این پا عبور کرد و به پای چپم اصابت کرد و از آن هم عبور کرد . از پاهایم خون رفته بود . روی زمین افتاده بودم و شب و تاریک بود . همه رزمندگان از روی شهدا و زخمی ها عبور کرده و رفته بودند . چون هیچکس همدیگر را نمی دید. فقط منور می زدند همدیگر را می دیدیم.

مرادی می گوید : خاطره ای که هیچگاه از ذهنم پاک نمی شود این است که در آن شب صدای «خرخر» می آمد . با خود گفتم ؛ عجب رزمندگانی هستند که بچه ها در عملیات هستند ولی آنها خوابیده اند . بعد از اینکه نماز صبحم را با تیمم خواندم و هوا روشن شد ؛ صحنه ای دیدم که هیچگاه فراموش نمی کنم . صدای «خرخر» از دو رزمنده گردان ۴۸ کرمان بود که شب قبل از شدت جان دادن صدای خرخر می دادند و تا صبح هر دو شهید شده بودند. از خودم خجالت کشیدم که چرا اینگونه فکر کرده ام .

صحنه دیگر ، شهدایی بود که روی هم ریخته بودند . حدود ساعت ۹ صبح بود ؛ یعنی هفت ساعت از تیر خوردنم گذشته بود . گردان امدادگر آمده بودند. مرا به پشت خط بردند . در آن شب تعداد زیادی از بچه ها شهید شدند از جمله شهدای آن شب «بختیار نیکویی» ، «عبدالرضا مجیدی» ، «حسین بازدار»، «حبیب آبسواران» ، «محمد امین حاجی زاده» ، «اصغر موسی زاده» ، «حمید رضایی» ، «علی رضایی» ، «عباس رضایی» ، «علی رضایی سردره» ، «اصغر موسی زاده» ، «حیدر مصلحی»، «صادقی» و برخی از شهدا از بشاگرد ، رودان ، میناب و بندرلنگه بودند که اسمشان را فراموش کرده ام.

از راست :احمد مرادی–شهیدعبدالحمید رضایی–اسحق غریب نواز –شهید علی چرزه – خوابیده:جعفر حسین زاده

«احمد مرادی» ادامه می دهد : آن روز مرا در پتو گذاشتند و بعد در فرغون عراقی گذاشتند و تا لب آب آوردند پس از آن سوار قایق لشکر ۵ نصر کردند و برگرداندند . در آنجا مرا به بیمارستان صحرایی بردند دو پایم از قوزک تقریبا قطع شده بود و فقط یک رگ پاهایم را نگه داشته بود .

از بیمارستان صحرایی مرا به بیمارستان شهید «بقایی» اهواز اعزام کردند. در آنجا پایم را آتل بندی کردند و به بیمارستان امیدیه «خوزستان» اعزام کردند و از آنجا با پرواز ۳۳۰ نظامی به بیمارستان شهید چمران شیراز منتقل شدم که دو ماه در آنجا بستری می شدم و تحت عمل جراحی قرار گرفتم.

دکتر «فکرت» متخصص جراحی و ارتوپدی و پزشکی ماهر بود . به من گفت که پاهایم بایستی قطع شود ؛ ولی پانسمان می کنیم، اگرچه عفونت نکرد قطع نمی کنیم . با رسیدگی پزشکان و پزستاران ، پایم عفونت نکرد و از قطعی پا نجات یافتم . هفت ماه پاهایم در گچ و هر روز از دریچه ای که ایجاد شده بود در درمانگاه شماره پنج بندرعباس در کمربندی پانسمانش را عوض می کردند . حدود یک سال هم از عصا استفاده می کردم.

این رزمنده دفاع مقدس می گوید : دانش آموزان که به جبهه می رفتند حتی در جبهه درس و مشق را ترک نمی کردند و در شرایط سخت جبهه و جنگ و خط مقدم مدرسه داشتیم . معلمانی که به جبهه آمده بودند در آنجا به ما آموزش می دادند و امتحان می گرفتند و گواهی می دادند . ولی در آنجا هیچ ارفاقی نمی کردند . نتیجه امتحان را در لشکر در اهواز پشت شیشه می زدند که برویم و ببینیم و همان نمره ای که آورده بودیم اعلام می کردند. من خودم دو درس جبر و مثلثات را که در جبهه نمره قبولی کسب نکردم ، بعد از جبهه خواندم و قبول شدم. در سال ۸۴ نیز لیسانس حقوق قضایی خود را از دانشگاه آزاد بندرعباس گرفتم. مرادی می گوید : اهمیت کسب علم و دانش برای رزمندگان روشن بود و رزمندگا ن حتی در جبهه از کسب علم غافل نمی شوند . این موضوع می تواند الگویی برای نوجوانان و جوانان امروزی باشد که در هیچ شرایطی از تحصیل باز نمانند. قسمت پایانی گفتگو «مرادی» جانباز دفاع مقدس در صفحه «ایثار» سه شنبه آینده منتشر می شود.

زندگی نامه شهید «حسن غلامی»

شهید حسن غلامی قلات بالایی در اول تیرماه سال ۱۳۴۷ در روستای کنارو از توابع شهر بندرعباس در خانواده ای با درآمد کم بدنیا آمد. پدرش علی غلامی، کشاورز و بی سواد بود.

مادرش زهرا تارک او نیز بی سواد بود. او تا پایان دو س‌الگی از شیر مادرش تغذیه نمود و در دامان طبیعت رشد و نمو کرد. او دوران ابتدایی خود را تا چهارم در دبستان شهید محمد آبسواران کنارو طی کرد. در ۱۳ سالگی به بندرعباس مهاجرت می کند و نزد دایی خود زندگی می کند. و از همان سال به عضویت بسیج در می آید. البته دوران تحصیلی خود را در مدرسه ایثارگران تا مقطع متوسطه ادامه می دهد. او در کنار پدر و مادر نماز خواندن و رفتن به مسجد را فرا گرفت. معلم دوره ابتدایی او، آنها را به مسجد کنار مدرسه می برد و نماز خواندن را به آنها یاد می داد. او از همان کوچکی عاشق امام حسین (ع) بود و در ایام محرم و صفر به حسینیه سید الشهدای روستای کنارو می رفت و در عزاداری سرور شهیدان حسین بن علی (ع) شرکت می کرد. او به ورزش فوتبال علاقه زیادی داشت و در همان کوچکی در تیم فوتبال تاج کنارو عضویت داشت.

شهید حسن بواسطه آشنایی با رزمنده های روستای خود جبهه را انتخاب نمود. او در تابستان سال ۱۳۶۴ جهت آموزش مقدماتی به شهر فسا و کازرون در استان فارس اعزام شد و در تاریخ ۱۳۶۴/۴/۱۹ دوره آموزشی را با موفقیت طی نمود. سپس به یادگان سپتنا در اهواز رفت و در جنگل اهواز در گردان رزمی ۴۱۶ لشکر ۴۱ ثارا... به فرماندهی حاج احمد شول سازماندهی شد و به مدت ۲۰ روز به منطقه خرمشهر در لشکر ۲۱ حمزه مامور شد و سپس جهت عملیات به منطقه بتور اعزام شد و بعد از چند روز راهی خط مقدم هور العظیم شد. هور اعظیم که منطقه مردابی بود و پوشیده از نی زارهای بلند بود ابتدا سوار قایق موتوری شدند و پس از طی مسافتی با قایق های پارویی کوچکی که به بَلَم نام داشتند در سنگرهای کمین مستقر شدند. شهید حسن مسوول یکی از سنگرهای کمین شده بود. آنها هر ۲۴ ساعت یکبار جهت تامین آذوقه و آب باید با قایق به خشکی می رفتند و نهار و شام و صبحانه خود را می آوردند. او ۴۰ روز را در منطقه بسیار دشوار هور العظیم بود. او بعد از تشکیل گردان ۴۲۲ که متشکل از بچه های استان هرمزگان بود به این گردان رفت و بعنوان فرمانده دسته شهید رایکا، گروهان القائم انتخاب شد.

آقای علی سلمانپور می گوید: من از گردان ادوات لشکر ۴۱ ثارا... به گردان ۴۲۲ منتقل شدم و بعنوان فرمانده دسته شهید رایگا بجای شهید حسن غلامی انتخاب شدم. اما شهید حسن نه تنها از این بابت ناراحت نشد بلکه انگیزه بیشتری پیدا کرد. و هیچ تاثیر بدی در روحیه او نگذاشت با تمام توان کار می کرد. بطوریکه بچه های گردان می گفتند، تحرکش بیشتر هم شده است. هر کاری که به عهده او گذاشته می شد به بهترین شکل انجام می داد. در آموزشها و ماموریتهای گردان بسیار خوب عمل می کرد. او بعد از شرکت در عملیات والفجر ۸ که هدف آن آزاد سازی شهر فاو عراق بود به مرخصی رفت و مشغل درس خواندن شد.

او در دفترچه خاطرات خود نوشته است که در حال امتحان دادن بودم که تلویزیون اعلام کرد جبهه نیاز به نیرو دارد، سه امتحانم باقی مانده بود، بر سر دوراهی قرار گرفتم بمانم و امتحاناتم را تمام کنم و یا به جبهه بروم. بالاخره تصمیم خودم را گرفتم و روانه جبهه شدم. اردیبهشت ماه سال شصت و پنج بود. بعد از ورود به اهواز به محل ماموریت جدید یعنی خط فاو – البحار رفتم.

او مجدداً بعنوان فرمانده دسته شهید رایکا، گروهان القائم انتخاب شد، خط بشدت زیر آتش دشمن بود. نیروهای عراقی در این خط سنگرهای کمین خود را جلوتر آورده بودند. تحرک جدید آنها مشکوک به نظر می رسید. فرماندهی لشکر تصمیم گرفت جهت خنثی کردن نقشه دشمن یک تک به سنگرهای کمین آنها که در حدود ۸ سنگر بود زده شود. ۲۷ نفر نیروی با تجربه گردان ۴۲۲ انتخاب شدند. شهید حسن نیز در بین آنها بود. تصمیم بر این بود که تا حد امکان نیروهای عراقی با اصل غافلگیری اسیر شوند. شهید حسن در بین ستون بود. تخریب چی ها معبر را به آرامی باز کردند. نیروها به صورت سینه خیز جلو می رفتند. سنگرهای کمین دشمن آرایش هلالی شکل داشتند. آنها به چند متری سنگرهای عراقی رسیدند. در همین هنگام یک عراقی از سنگرش بیرون آمد، به اطرافش در زیر نور منورها نگاه کرد ولی بچه ها را ندید. دستهایش را شست و مجدداً به داخل سنگر برگشت، بچه ها در کنار سنگرهای کمین عراقی موضع گرفتند. نارنجک ها آماده شده و با اشاره فرمانده عملیات سردار شهید عیسی بهرامی اولین آربی جی به سمت سنگرها شلیک شد و بدنبال آن نارنجک ها به داخل کمین ها پرتاب شد.

سالکان بهشتی

رفت و من هنوز چشم انتظارم

نام و نام خانوادگی : اسحاق مریدی زاده
تاریخ تولد : ۱۳۲۸/۸/۱
تاریخ شهادت : ۶۱/۵/۶
یگان اعزام کننده : ارتش
کارمند : نیروی هوایی
محل دفن : مفقودالاثر

سال اولی که قصد رفتن به جبهه را داشت با اعزام او مخالفت کردند چون وجودش در پایگاه الزامی بود اما او دست بردار نبود و بالاخره اسم او در لیست اعزامیان به جبهه قرار گرفت . سرمست و خوشحال بود . سر از پا نمی شناخت وقتی به خانه آمد و جریان را برای من گفت بسیار ناراحت شدم. اما او لبریز از شادی و شعف بود .

گفتم : اسحاق بچه ها کوچک هستند و نیاز به مراقبت دارند ، بمان و برایشان پدری کن . جواب داد: خدای آنها بزرگ است ، در ضمن این یک ماموریت یک ماهه بیشتر نیست انشاءالله زود برمی گردم . او رفت و دقیقاً یک ماه بعد بازگشت . یکی از روزها که مشغول خواندن نماز بود ، کنارش نشستم و منتظر ماندم تا با او حرف بزنم.

رو به من کرد و گفت : بازهم می خواهم به جبهه بروم . با تعجب گفتم : تو تازه آمده ای ، چرا دوباره می خواهی مرا با همه این مشکلات تنها بگذاری ؟ گفت : من هنوز در عملیاتی شرکت نکرده ام حالا دلم می خواهد اجازه بدهی که باز هم به جبهه بروم . سکوت کردم و او نیز رفت و من هنوز چشم انتظارم تا بازگردد...

مرید حضرت علی (ع)

برای آشنا و غریب نمونه یک انسان واقعی بود . اگر فرد محتاجی را می شناخت با هر زحمتی که بود پولی فراهم می کرد و به او می بخشید تا مشکل او را حل نماید . در کمک کردن بین دوست و همسایه تفاوتی قائل نمی شد . شبانه به در خانه فقرا و یتیمان می رفت و مواد غذایی می برد . این موضوع را زمانی فهمیدم که شهید شده بود . تمام آن خانواده ها برایم تعریف کردند که اسحاق همانند مولایش حضرت علی (ع) شبانه به درد مستمندان می رسید و دستشان را می گرفت.

مردی به گستره عشق

به نماز اول وقت اهمیت می داد و خواندن قرآن را در وقتهای معین جزء برنامه خود قرار داده بود، در زمان نوجوانی صبح زود برادر بزرگش را از خواب بیدار می کرد و به نماز می ایستاد ، او همه ایمانش را از همان اوان کودکی در دامان مادر آموخته بود. همین امر از او مردی ساخت به گستره عشق که در پلاکی که برجای مانده خلاصه نشده است .

آگهی ابلاغ وقت رسیدگی و دادخواست و ضمائم

خواهان صندوق مهر امام رضا (ع) دادخواستی به طرفیت خوانده و حسن رزم فرزند علی به خواسته مطالبه طلب به مبلغ ۲۶/۹۲۱/۸۰۰ ریال بابت قرارداد شماره ۸۶۲۲۰۰۰۶۷ و خسارات دادرسی تقدیم دادگاه های عمومی شهرستان بندرعباس نموده که جهت رسیدگی به شعبه سوم دادگاه حقوقی دادگستری شهرستان بندرعباس واقع در بندرعباس – میدان ابوذر – دادگستری کل استان هرمزگان – ساختمان شماره یک ارجاع و به کلاسه پرونده ۸۹۰۹۹۸۷۶۱۰۳۰۰۳۹۰ ثبت گردیده و وقت رسیدگی آن ۱۳۸۹/۱۱/۰۶ و ساعت ۰۹:۳۰ تعیین شده است . به علت مجهول المکان بودن خوانده و درخواست خواهان و به تجویز ماده ۷۳ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی و دستور دادگاه مراتب یک نوبت در یکی از جراید کثیرالانتشار اگهی می شود تا خوانده پس از نشر آگهی و اطلاع از مفاد آن به دادگاه مراجعه و ضمن اعلام و نشانی کامل خود نسخه دوم دادخواست و ضمائم را دریافت و در وقت مقرر فوق جهت رسیدگی حاضر گردند در غیر اینصورت غیابا رسیدگی و اتخاذ تصمیم می گردد. ۳۵/۹

مدیر دفتر شعبه سوم دادگاه حقوقی دادگستری شهرستان بندرعباس

آگهی ابلاغ اجرائیه

پیرو آگهی های منتشره در جراید بدینوسیله به محکوم علیه آقایان ۱– عباسعلی پورقربان شیحانی فرزند محمد ۲– محمدرضا جلائی فرزند علی ۳– حسین عبادی قمچقای فرزند ذکریا که مجهول المکان می باشند ابلاغ می گردد چون وفق دادنامه شماره ۸۸۰۹۹۹۷۷۶۱۰۳۰۰۹۹۰ مورخ ۸۸/۱۰/۲۲ صادره از شعبه سوم دادگاه حقوقی بندرعباس در پرونده شماره ۸۸۰۹۹۸۷۶۱۰۳۰۰۲۲۳ محکوم به پرداخت مبلغ ۵۸/۹۴۷/۷۶۶ ریال اصل خواسته و مبلغ ۱/۱۸۷/۹۵۵ ریال هزینه دادرسی و خسارت تاخیر تادیه بر مبنای ۱۸ درصد نسبت به اصل خواسته از تاریخ ۸۷/۳/۱۸ تا اجرای حکم و حق الوکاله نماینده قضایی در حق محکوم له پست بانک استان هرمزگان و نیم عشر دولتی شده اید ظرف ده روز از انتشار این آگهی مهلت دارید نسبت به اجرای مفاد اجرائیه اقدام نمایید در غیر اینصورت دایره اجرای احکام طبق مقررات نسبت به وصول مطالبات با هزینه اجرایی اقدام خواهد نمود. ۴۰/۹

جهانگیری زاده
مدیر دفتر شعبه سوم دادگاه حقوقی دادگستری شهرستان بندرعباس

آگهی ابلاغ دادخواست و ضمائم وقت رسیدگی

خواهان صندوق مهر امام رضا (ع) دادخواستی به طرفیت خواندگان فرهاد توسلی سیرمندی فرزندغلامعلی و مریم صابری بخوانی فرزندگستهم به خواسته مطالبه طلب به مبلغ ۴۳/۰۹۶/۱۱۱ ریال بابت قرارداد شماره ۸۵۲۲۰۰۲۷۳ تقدیم دادگاه های عمومی شهرستان بندرعباس نموده که جهت رسیدگی به شعبه سوم دادگاه حقوقی دادگستری شهرستان بندرعباس واقع در بندرعباس – میدان ابوذر – دادگستری کل استان هرمزگان – ساختمان شماره یک ارجاع و به کلاسه پرونده ۸۹۰۹۹۸۷۶۱۰۳۰۰۳۹۴ ثبت گردیده و وقت رسیدگی آن ۱۳۸۹/۱۱/۰۶ و ساعت ۱۰:۰۰ تعیین شده است . به علت مجهول المکان بودن خواندگان و درخواست خواهان و به تجویز ماده ۷۳ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی و دستور دادگاه مراتب یک نوبت در یکی از جراید کثیرالانتشار اگهی می شود تا خواندگان پس از نشر آگهی و اطلاع از مفاد آن به دادگاه مراجعه و ضمن اعلام و نشانی کامل خود نسخه دوم دادخواست و ضمائم را دریافت و در وقت مقرر فوق جهت رسیدگی حاضر گردند در غیر اینصورت غیابا رسیدگی و اتخاذ تصمیم می گردد. ۳۴/۹

مدیر دفتر شعبه سوم دادگاه حقوقی دادگستری شهرستان بندرعباس

آگهی ابلاغ اجرائیه

پیرو آگهی های منتشره در جراید بدینوسیله به محکوم علیه آقایان
۱– محمدرضا دهقان ۲– علی دهقان ۳– مسعود رستگار که مجهول المکان می باشند ابلاغ می گردد چون وفق دادنامه شماره ۸۹۰۹۹۷۷۶۱۰۳۰۰۰۴۳ مورخ ۸۹/۱/۳۱ صادره از شعبه سوم دادگاه حقوقی بندرعباس در پرونده شماره ۸۸۰۹۹۸۷۶۱۰۳۰۰۴۷۹ محکوم به تضامناً به پرداخت مبلغ ۲۲۳/۳۳۳/۳۳۲ ریال اصل خواسته و مبلغ ۴/۴۷۱/۶۶۶ ریال هزینه واخواست سفته و مبلغ ۴/۴۱۷/۷۰۰ ریال هزینه دادرسی و خسارت تاخیر تادیه براساس نرخ شاخص تورم اعلامی از سوی بانک مرکزی از تاریخ واخواست سفته ها ۸۸/۲/۲۸ تا اجرای حکم و حق الوکاله وکیل طبق تعرفه در حق محکوم له بانک ملی ایران اداره امور شعب استان هرمزگان و نیم عشر دولتی شده اید ظرف ده روز از انتشار این آگهی مهلت دارید نسبت به اجرای مفاد اجرائیه اقدام نمایید در غیر اینصورت دایره اجرای احکام طبق مقررات نسبت به وصول مطالبات با هزینه اجرایی اقدام خواهد نمود. ۲۶/۹

مدیر دفتر شعبه سوم دادگاه حقوقی دادگستری شهرستان بندرعباس

آگهی ابلاغ دادخواست و ضمائم وقت رسیدگی

خواهان صندوق مهر امام رضا (ع) دادخواستی به طرفیت خوانده مهدی حمدانی پور فرزندعبدالامام و خلیل خوش بیان فرزندعیسی و علی بلوچی پور فرزند عوض به خواسته مطالبه طلب به مبلغ ۳۴/۰۲۱/۰۲۱ ریال و خسارات دادرسی تقدیم دادگاه های عمومی شهرستان بندرعباس نموده که جهت رسیدگی به شعبه سوم دادگاه حقوقی دادگستری شهرستان بندرعباس واقع در بندرعباس – میدان ابوذر – دادگستری کل استان هرمزگان – ساختمان شماره یک ارجاع و به کلاسه پرونده ۸۹۰۹۹۸۷۶۱۰۳۰۰۳۹۵ ثبت گردیده و وقت رسیدگی آن ۱۳۸۹/۱۱/۰۶ و ساعت ۱۰:۳۰ تعیین شده است . به علت مجهول المکان بودن خوانده و درخواست خواهان و به تجویز ماده ۷۳ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی و دستور دادگاه مراتب یک نوبت در یکی از جراید کثیرالانتشار اگهی می شود تا خواندگان پس از نشر آگهی و اطلاع از مفاد آن به دادگاه مراجعه و ضمن اعلام و نشانی کامل خود نسخه دوم دادخواست و ضمائم را دریافت و در وقت مقرر فوق جهت رسیدگی حاضر گردند در غیر اینصورت غیابا رسیدگی و اتخاذ تصمیم می گردد. ۳۶/۹

مدیر دفتر شعبه سوم دادگاه حقوقی دادگستری شهرستان بندرعباس

آگهی ابلاغ اجرائیه

پیرو آگهی های منتشره در جراید بدینوسیله به محکوم علیه ۱– حسین ابوالپور همایی فرزند غلامرضا و خانمها ۲– عصمت ابوالپور همایی فرزند غلامرضا ۳– سکینه میرتاج الدینی فرزند هدایت که مجهول المکان می باشند ابلاغ می گردد چون وفق دادنامه شماره ۸۸۰۹۹۹۷۷۶۱۰۳۰۰۹۹۱ مورخ ۸۸/۱۰/۲۲ صادره از شعبه سوم دادگاه حقوقی بندرعباس در پرونده شماره ۸۸۰۹۹۸۷۶۱۰۳۰۰۲۲۱ محکوم به پرداخت مبلغ ۳۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال اصل خواسته و مبلغ ۶۰۹/۰۰۰ هزینه دادرسی و خسارت تاخیر تادیه بر مبنای ۱۸ درصد نسبت به اصل خواسته از تاریخ ۸۷/۵/۱۱ تا اجرای حکم و حق الوکاله نماینده قضایی در حق محکوم له پست بانک استان هرمزگان و نیم عشر دولتی شده اید ظرف ده روز از انتشار این آگهی مهلت دارید نسبت به اجرای مفاد اجرائیه اقدام نمایید در غیر اینصورت دایره اجرای احکام طبق مقررات نسبت به وصول مطالبات با هزینه اجرایی اقدام خواهد نمود. ۳۹/۹

مدیر دفتر شعبه سوم دادگاه حقوقی دادگستری شهرستان بندرعباس–جهانگیری زاده

آگهی ابلاغ اجرائیه

پیرو آگهی های منتشره در جراید بدینوسیله به محکوم علیه آقای اردشیر سالاری پور فارغانی فرزند سالارعلی که مجهول المکان می باشد ابلاغ می گردد چون وفق دادنامه شماره ۸۸۰۹۹۷۷۶۱۰۳۰۰۶۷۸ مورخ ۸۸/۷/۲۶ صادره از شعبه سوم دادگاه حقوقی بندرعباس در پرونده شماره ۸۸۰۹۹۸۷۶۱۰۳۰۰۲۱۶ محکوم به پرداخت مبلغ ۳۰/۸۸۹/۳۰۹ ریال بابت اصل خواسته بانضمام هزینه دادرسی به مبلغ ۶۲۶/۷۸۶ ریال و حق الوکاله نماینده قضایی و خسارت تاخیر تادیه به ماخذ ۱۸ درصد در سال وفق قرارداد فی مابین از تاریخ ۸۷/۵/۱ لغایت اجرای حکم در حق محکوم له پست بانک استان هرمزگان و نیم عشر دولتی شده اید ظرف ده روز از انتشار این آگهی مهلت دارید نسبت به اجرای مفاد اجرائیه اقدام نمایید در غیر اینصورت دایره اجرای احکام طبق مقررات نسبت به وصول مطالبات با هزینه اجرایی اقدام خواهد نمود. ۳۸/۹

مدیر دفتر شعبه سوم دادگاه حقوقی دادگستری شهرستان بندرعباس–جهانگیری زاده

آگهی ابلاغ اجرائیه

پیرو آگهی های منتشره در جراید بدینوسیله به محکوم علیه ۱– غلامحسین فلاح تفتی فرزند محمد ۲– غلامرضا رحیمی فرزند موسی ۳– حسن نژاد حسن فرزند غلام که مجهول المکان می باشند ابلاغ می گردد چون وفق دادنامه شماره ۸۸۰۹۹۹۷۷۶۱۰۳۰۰۹۸۹ مورخ ۸۸/۱۰/۲۲ صادره از شعبه سوم دادگاه حقوقی بندرعباس در پرونده شماره ۸۸۰۹۹۸۷۶۱۰۳۰۰۲۲۶ محکوم به پرداخت مبلغ ۵۶/۲۵۶/۰۰۰ ریال اصل خواسته و مبلغ ۱/۱۳۲/۹۲۰ ریال هزینه دادرسی و خسارت تاخیر تادیه بر مبنای ۲۲ درصد نسبت به اصل خواسته از تاریخ ۸۶/۱/۲ تا اجرای حکم و حق الوکاله نماینده قضایی در حق محکوم له پست بانک استان هرمزگان و نیم عشر دولتی شده اید ظرف ده روز از انتشار این آگهی مهلت دارید نسبت به اجرای مفاد اجرائیه اقدام نمایید در غیر اینصورت دایره اجرای احکام طبق مقررات نسبت به وصول مطالبات با هزینه اجرایی اقدام خواهد نمود. ۴۱/۹

مدیر دفتر شعبه سوم دادگاه حقوقی دادگستری شهرستان بندرعباس–جهانگیری زاده

اندیشه برتر ساحل

با مجوز از سازمان بنادر و دریانوردی و اداره کل آموزش فنی و حرفه ای استان هرمزگان برگزار می کند:

دوره های فنی و مهندسی – HSE :
■ برق صنعتی
■ مکاترونیک (هیدرولیک – پنیوماتیک – Plc)
■ مکانیک صنایع
■ نقشه کشی و نقشه خوانی صنعتی
■ بهداشت ، ایمنی و آتش نشانی

دوره های عملیات بندری :
■ امور گمرکی و ترخیص کالا
■ بارشماری
■ خن کاری
■ کالاهای خطرناک
■ انواع بیمه های حمل و نقل و ...

دوره های راهبری تجهیزات بندری :
■ لیفتراک
■ ریچ استاکر
■ ترانستینر
■ گنتری کرین
■ انواع جرثقیل
■ امتی استاکر
■ راهبری کشنده

طرح همراه با زندگی

عناوین کارگاه های آموزشی :

اندیشه برتر ساحل با همکاری موسسه پژوهشی کودکان دنیا و موسسه مادران امروز برگزار می نماید: شادی در خانواده ضرورت آموزش خانواده ها، رفتار با کودک،رفتار با نوجوان، آمادگی برای فرزند پروری، آمادگی برای ورود به دبستان ،تعامل با نوجوان،رفتار با بزرگترها ویژه نوجوانان، ارتباط همسران مادران نوزاددار، مادران کودک دار،مادران نوجوان دار ، مادر بزرگها ، پدران، راه هنرمند ...

مجری دوره های رایگان
فنی و حرفه ای در شهرک صنعتی شماره ۱ با گواهی نامه فنی و حرفه ای

دفتر مرکزی : بندرعباس خیابان امام خمینی نرسیده به میدان یادبود ساختمان مجید طبقه اول تلفن دفتر مرکزی : ۰۷۶۱-۲۲۲۱۳۲۴
۰۷۶۱-۴۲۱۲۹۱۳ تلفکس : ۰۷۶۱-۴۲۱۲۹۱۴

مناسب سازی محیط حق مسلم همه افراد جامعه است

● روابط عمومی سازمان بهزیستی استان هرمزگان